

عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین نسلی (مطالعه موردی شهر خلخال در سال ۱۳۹۰)

محمد رحیمی*

دکتر امیر آشفته تهرانی**

دکتر زهرا حضرتی صومعه***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین نسلی، افراد ۲۰ تا ۲۴ سال و والدینشان در شهر خلخال انجام شده است. در این پژوهش آنچه مورد توجه است، ضرورت اهمیت دادن به پدیده شکاف نسلی میان جوانان و والدین آنان است. چارچوب نظری و مدل تحلیلی با استفاده از نظریه‌های نظریه‌پردازانی همچون گنورگ زیمل، پیتر برگر و تامس لاکمن، رونالد اینگلهارت، اریک اریکسون، جکلین گودنو و ورنل بنگستون ارائه شد. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شد. با تکنیک پرسشنامه که دارای اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای و اعتماد (آلفای کرونباخ بالای ۷۰ درصد) بود به گردآوری اطلاعات اقدام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی ۵۷۴۶ نفر از جوانان ۲۰ تا ۲۴ ساله شهر خلخال به همراه والدینشان بودند که از بین آنان با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۶۰ نفر به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای به عنوان نمونه انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از دو شیوه آمار توصیفی و استنباطی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری، پس از تهیه جدول ماتریس، اطلاعات در قالب جداول یک‌بعدی و دویبعدی تنظیم شد. یافته‌های پژوهش نشانگر این بودند که شکاف بین نسلی (متغیر وابسته) با متغیرهای بحران هویت، حشو ارزشی والدین، تشتت ارزشی، فردگرایی، گرایش به اعتقادات دینی و اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری دارد.

واژه‌های کلیدی: شکاف بین نسلی، بحران هویت، حشو ارزشی، تشتت ارزشی، فردگرایی.

M.rahimi5564@gmail.com

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

** استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان (استادیار)، استاد مدعو واحد تهران مرکزی

Hazrati14@yahoo.com

Z.hazrati@tiau.ac.ir

مقدمه

شکاف نسلی^۲ که به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است، موضوع بحث و بررسی دیرینه و مشترک جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی، صاحب‌نظران علوم تربیتی و مردم‌شناسان فرهنگی بوده است. این مفهوم نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی و به ویژه در دهه ۶۰ در جوامع غربی مطرح شد که به نحوی اختلاف فرهنگی میان فرزندان و والدینشان را تشریح می‌کرد. در ایران نیز دهه شصت و هفتاد یکی از دوره‌های حساس و پرفراز و نشیبی است؛ دوره‌ای که یکی از سه رویداد مهم تاریخ معاصر؛ یعنی انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و پس از آن نیز جنگ ایران و عراق به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم دیگر به وقوع می‌پیوندد. این دو پدیده اجتماعی تغییرات وسیعی را در باورها و بینش‌های نسلی که در آن دوران زندگی می‌کرد، بوجود آورد. نسل دیروزی که دارای تجربه جنگ و انقلاب بود امروزه در کنار نسلی زندگی می‌کند که فاقد این نوع تجربه است و این خود سبب شده است شکافی در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی این نسل (والدین) با نسل جدید (فرزندان) به وجود آید. اینک بحران شکاف نسل‌ها به هر تعبیر، مشغله‌ای از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان اجتماعی گردیده و بررسی عوامل موثر بر شکاف بین دو نسل در جامعه کنونی، از جمله مسائل حیاتی و در اولویت است.

مسئله شکاف نسلی بین والدین به‌عنوان نسل دیروز و فرزندان به‌مثابه نسل امروز یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در حوزه آسیب‌شناسی خانواده وجود دارد. به عبارت دیگر ساختار روابط میان والدین و فرزندان در خانواده هسته‌ای مدرن^۳، دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. "در خانواده معاصر، به دلایل مختلفی چون افزایش فردگرایی^۴، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش اقتدار والدین (بویژه پدر) و افزایش سریع و وسیع ارتباطات جمعی^۵، فرزندان فاصله بیشتری با والدین پیدا کرده‌اند" (زمانیان، ۱۳۸۷: ۸۱).

در جوامع مدرن امروزی نسل جدید می‌خواهد تمام پدیده‌های اجتماعی (دین، زندگی و واقعیت‌های اجتماعی) را بر پایه عقل تحلیل نماید. یعنی نسل امروزی به مانند نسل قبل همه چیز را بی‌چون و چرا قبول ندارد. نسل امروزی می‌خواهد از تمام پدیده‌های اجتماعی وهم‌زدایی نماید تا با شناخت پوسته اصلی آن راه و مسیر آینده خود را مشخص سازد. چنین آگاهی و شعور در نسل جدید بر پایه تغییر و تحولات در نظام معرفتی و شناختی و حاکمیت علم و عقل بر رفتارهای بشریت می‌باشد (کوزر، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

با توجه به آنچه که به آن‌ها اشاره شد می‌توان گفت جامعه ایران در مرحله گذار تاریخی - اجتماعی خود قرار دارد و جامعه‌ای که در این مرحله قرار دارد استعداد و آمادگی بیشتری برای ایجاد شکاف نسلی دارد. "بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که یکی از معضلات کلیدی و مهمی که اینک جامعه ایران با آن روبروست، عدم برقراری رابطه و تعامل منطقی میان نسل‌های مختلف است که می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات و بحران‌ها گردد، به گونه‌ای که امنیت

1. generation gap
2. modern core family
3. individualism
4. mass communications

عمومی و نظم اجتماعی^۶ را در جامعه با مشکل مواجه کند. در واقع شکاف بین نسل‌ها و عدم تعامل منطقی بین آن‌ها، از جمله چالش‌ها و دغدغه‌هایی است که همیشه وجود داشته اما در حال حاضر به دلایل مختلفی شاهد رشد بیش از پیش این شکاف و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی^۷ و عدم تعامل مناسب بین فرزندان (نسل جدید) و والدین (نسل گذشته) هستیم. در چنین شرایطی است که زمینه شکاف نسل‌ها فراهم می‌شود و بحران هویت^۸ یا بی‌هویتی در جامعه به وجود می‌آید که خود می‌تواند زمینه آشفته‌گی اجتماعی^۹ و در صورت حاد آن زمینه بحران اجتماعی^{۱۰} را در جامعه فراهم کند" (موسوی چلک، ۱۳۸۸: ۹۸).

این پدیده مورد توجه بسیاری از محققین بوده و پژوهش‌هایی نیز در داخل و خارج از کشور در این حوزه انجام گرفته است. در زیر به شماری از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

یوت شونفلونگ^{۱۱} (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی انتقال بین‌نسلی ارزش‌ها» که بر روی ۲۰۰ تن از پدران و فرزندان ترکیه‌ای ساکن در دو منطقه آلمان و ۱۰۰ تن از پدران و فرزندان ساکن در ترکیه انجام داده بود به این نتیجه رسید که بین فردگرایی - جمع‌گرایی و انتقال ارزشی رابطه وجود دارد. به این صورت که در فرهنگ‌های جمع‌گراتر انتقال ارزشی بهتر صورت می‌گیرد. "هر چقدر جوانان جمع‌گراتر باشند، بیشتر به آمال و خواسته‌های خانوادگی وفادارند و فردگرایی جوانان بستری برای فاصله افتادن بین جوانان و بزرگسالان است" (Schonpflug, 174, 2001).

رابرت پاتنام^{۱۲} (۲۰۰۰) جامعه‌شناس امریکایی یکی از کسانی است که تفاوت نسلی را به طور تجربی به تصویر کشیده است، "وی به خوبی نشان داده است که از دهه ۶۰ تا به امروز، جامعه امریکا شاهد افول تدریجی آنچه وی سرمایه اجتماعی می‌نامد، بوده است. نشانه‌های عمده این افول را پاتنام در تضعیف ارتباطات اجتماعی، افول حساسیت‌های سیاسی، تخریب اعتماد عمومی و خودمحوری شدن روزافزون امریکایی‌ها می‌بیند. نکته محوری در مطالعه پاتنام که به بحث ما مربوط می‌شود، این است که این روند نزولی مشارکت مدنی، نسل به نسل شدت گرفته است، تا جایی که کمترین میزان مشارکت مدنی و حساسیت اجتماعی را در میان متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ می‌توان مشاهده کرد. مهم‌ترین این تمایزات عبارت‌اند از فردگرایی و نیز مادی‌گرایی بیشتر جوانان، ارتباطات کم عمق اجتماعی، نارضایتی بیشتر، مشارکت اجتماعی کمتر، سوءظن و بی‌اعتمادی نسبت به سایرین و نیز نسبت به حکومت" (Putnam, 2000: 260).

زهرا داریاپور (۱۳۸۶) استادیار دانشگاه شاهد در پژوهشی تحت عنوان «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی» بر مبنای چارچوب نظری شوارتز، ارزش‌های جوانان و بزرگسالان را با هم مقایسه نمود. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که کم‌اهمیت‌ترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان، بلندپروازی، حادثه‌جویی و خوش‌گذرانی است. مهم‌ترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان امنیت، مساوات و فرصت‌های یکسان است. مهم‌ترین ارزش‌ها در نزد جوانان سلامتی، احترام و

-
1. social order
 2. social values
 3. identity crisis
 4. social disorder
 5. social crises
 6. Ute schonpflug
 7. Robert Putnam

آزادی است. ارزش‌های جوانان در ۲۸ مورد با بزرگسالان دارای تفاوت معنی‌داری است. میزان اهمیت جوانان به انواع ارزشی امنیت، سنت، جهان‌گرایی و برانگیختگی با بزرگسالان متفاوت است.

اسفندیار یعقوبی (۱۳۸۵) عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد میاندوآب در «بررسی شکاف نسل‌ها؛ از حکایت تا واقعیت» در شهر میاندوآب و بر مبنای چهارچوب نظری زیمل و اینگلهارت به این نتیجه رسید که بین نگرش‌های دو نسل نسبت به ضرورت ادامه تحصیل دختران، ازدواج، طلاق، دین‌داری، اشتغال زنان در بیرون از منزل، رابطه بین دختر و پسر نامحرم قبل از ازدواج، حجاب، استفاده از رسانه‌های جمعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نریمان یوسفی (۱۳۸۳) در بررسی تفاوت ارزش‌های پدران با فرزندان و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهر تهران با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه و مصاحبه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین متغیرهای تضاد هنجاری نسل‌ها، استبدادگرایی پدران، حسو ارزشی پدران، بحران هویت نسل فرزندان، فردگرایی نسل فرزندان، فاصله تحصیلی والدین با فرزندان و شکاف بین نسل‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با مروری بر مطالعات انجام گرفته در مورد شکاف نسل‌ها، مقاله حاضر شکاف بین‌نسلی را در بین دو نسل والدین و فرزندان مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش با سوال چه علل و عواملی باعث بروز شکاف بین دو نسل می‌شود؟ و با چه راهکارهایی می‌توان با آن مقابله کرد؟ و با هدف کلی «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین‌نسلی والدین و فرزندان ۲۰ تا ۲۴ ساله شهر خلخال در سال ۱۳۹۰» انجام پذیرفت و اهداف اختصاصی به شرح زیر مورد توجه قرار گرفتند:

۱- بررسی تأثیر بحران هویت فرزندان در ایجاد شکاف بین نسلی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله؛

۲- بررسی تأثیر حسو ارزشی والدین در ایجاد شکاف بین نسلی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله؛

۳- بررسی تأثیر تشقت ارزشی در ایجاد شکاف بین نسلی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله؛

۴- بررسی تأثیر فردگرایی فرزندان در ایجاد شکاف بین نسلی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله؛

۵- بررسی تأثیر گرایش به اعتقادات دینی در ایجاد شکاف بین نسلی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله؛

۶- بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی در ایجاد شکاف بین نسلی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله؛

با توجه به اینکه طرح چارچوب نظری از میان نظریات مطرح و با توجه به موضوع پژوهش انتخاب می‌شود، لذا برای چارچوب نظری در این پژوهش از نظریه نظریه‌پردازانی همچون گنورگ زیمل^{۱۳} (۱۹۶۸)، پیتر برگر و تامس لاکمن^{۱۴} (۱۹۶۶)، رونالد اینگلهارت^{۱۵} (۱۹۹۰)، اریک اریکسون^{۱۶} (۱۹۹۴)، جکلین گودنو^{۱۷} (۱۹۹۴) و ورنل بنگستون^{۱۸} (۱۹۸۶) استفاده می‌شود.

براساس تئوری زیمل (۱۹۶۸) تمدن نوین حلقه‌های اجتماعی^{۱۹} افراد را نیز تغییر داده است به طوری که انسان در جوامع پیشین در حلقه‌های اجتماعی محدودی (مانند شهر، خانواده، خویشاوندان و دوستان) قرار گرفته بود و

¹³ Georg Zimmel

¹⁴ Peter Berger & Thomas Luckmann

¹⁵ Ronald Inglehart

¹⁶ Erik Erikson

¹⁷ Jacqueline Goodnow

¹⁸ Vern Bengtson

شخصیت، ارزش‌ها، و ایدئولوژی فردی در همین حلقه‌ها شکل می‌گرفت. اما جهان نوین از نظر اصل سازمانی و حلقه‌های اجتماعی تفاوت بنیادین کرده است. یک فرد می‌تواند در تشکلهای مختلف عضو شود بدون آنکه هر کدام از این حلقه‌ها تمامی شخصیت وی را دربر بگیرند. به عقیده زیمل "با توجه به این‌که در جهان نوین، تعلق‌ها جدا از همدیگرند و افراد بیشتر است، هرچه تعداد عضویت فرد در تشکلهای بیشتر باشد زمینه تشابه ارزشی بین فرد و جامعه بیشتر می‌شود و بالعکس. از طرفی انشعاب تعلق گروهی یک نوع منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می‌سازد. وجود حلقه‌های اجتماعی پیش شرط فردگرایی است. به این لحاظ نه تنها انسان‌ها نسبت به یکدیگر ناهم‌اند می‌شوند، بلکه فرصت این را می‌یابند که در زمینه‌های اجتماعی گوناگون بدون زحمت حرکت کنند" (به نقل از کوزر، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

نظریات زیمل را می‌توان تبیین‌کننده رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید سبب بوجود آمدن اخلاقیات و ارزش‌هایی می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی، از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته می‌نماید. تحت تأثیر این فردگرایی گروه مرجع^{۲۰} در نسل جوان نیز دارای تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل می‌شود.

برگر و لاکمن (۱۹۶۶) تناقض میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه را یکی از عوامل موثر بر شکاف بین‌نسلی می‌دانند. به عقیده اینان "زمانی که فرد آنچه را که در درون خانواده (پرورش اجتماعی اولیه) با آنچه را که در جامعه (پرورش اجتماعی ثانویه) اشاعه داده می‌شود متناقض ببیند دچار نوعی بحران هویت می‌شود" (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۲۳۳). به نظر این دو متفکر "در جامعه‌ای که وحدت ارزشی از بین برود، انسان با گروه‌های مختلفی سروکار دارد که در هر یک از آنها یک نوع ارزش خاصی حاکم است که گاه در گروه دیگر ارزش نیست" (به نقل از توکلی، ۱۳۷۸: ۵۱ و Gruses et al, 2002). در چنین وضعیتی که در آن نسل فرزندان با ارزش‌های متنوع و بعضاً متناقض روبرو می‌شود، فرصت بیشتری در گزینش و انتخاب ارزش‌هایش دارد و از این طریق امکان بروز شکاف در ارزش‌های نسل‌ها افزایش می‌یابد. همچنین برگر و لاکمن معتقدند امکان فردگرایی با امکان پرورش اجتماعی ناموفق پیوند مستقیم دارد. بنابراین با گسترش فردگرایی در بین نسل فرزندان پای‌بندی آن‌ها به تعلقات و ارزش‌های نسل پیشین کمتر و شکاف بین نسل‌ها رخ می‌دهد.

اینگلهارت (۱۹۹۰) در دهه اینگلهارت در دهه هشتاد این ایده را مطرح کرد که در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی اساسی هستیم. به این صورت که گرایش نسبت به ارزش‌های فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت بیشتری می‌دهد. وی به تغییر و تحول ارزشی در طی فرآیند جایگزینی نسلی پرداخته است. به اعتقاد وی اولویت ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن به سر می‌برده شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد. وی در کار خویش حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را باعث تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند. "وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی،

گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند" (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵). اینگلهارت تغییر ارزش در جوامع غرب را پیامد غیرارادی کامیابی اقتصادی - اجتماعی افزایش یافته می‌داند و در این زمینه می‌گوید کامیابی اقتصادی افزایش یافته منجر به برآورده شدن بهتر نیازهای بنیانی در سال‌های شکل‌گیری افراد می‌شود (سال‌های آخر نوجوانی) که به نوبه خود سبب می‌شود ارزش‌های مادی از نسلی به نسل دیگر کاهش پیدا کرده و ارزش‌های غیرمادی در اولویت قرار بگیرد. اینگلهارت ضمن بیان تأثیر کامیابی بر تغییر ارزش، به تاثیر قشربندی اجتماعی توجه می‌کند. از این منظر، "خانواده‌های ثروتمند جوانان ماتریالیست کمتری را نسب به خانواده‌های فقیر پرورش می‌دهند" (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۴). طبق یافته‌های اینگلهارت اعتماد به یکدیگر با سطوح بالای توسعه اقتصادی متناسب است. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان زیاد بحث سیاسی، و حمایت از نظم اجتماعی موجود همه به همراه هم هستند، آن‌ها نشانه‌های نگرش مثبت نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کنند را تشکیل می‌دهند. به نظر اینگلهارت "سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود شخص به احتمال زیاد نظام سیاسی موجود را نپذیرد" (به نقل از خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

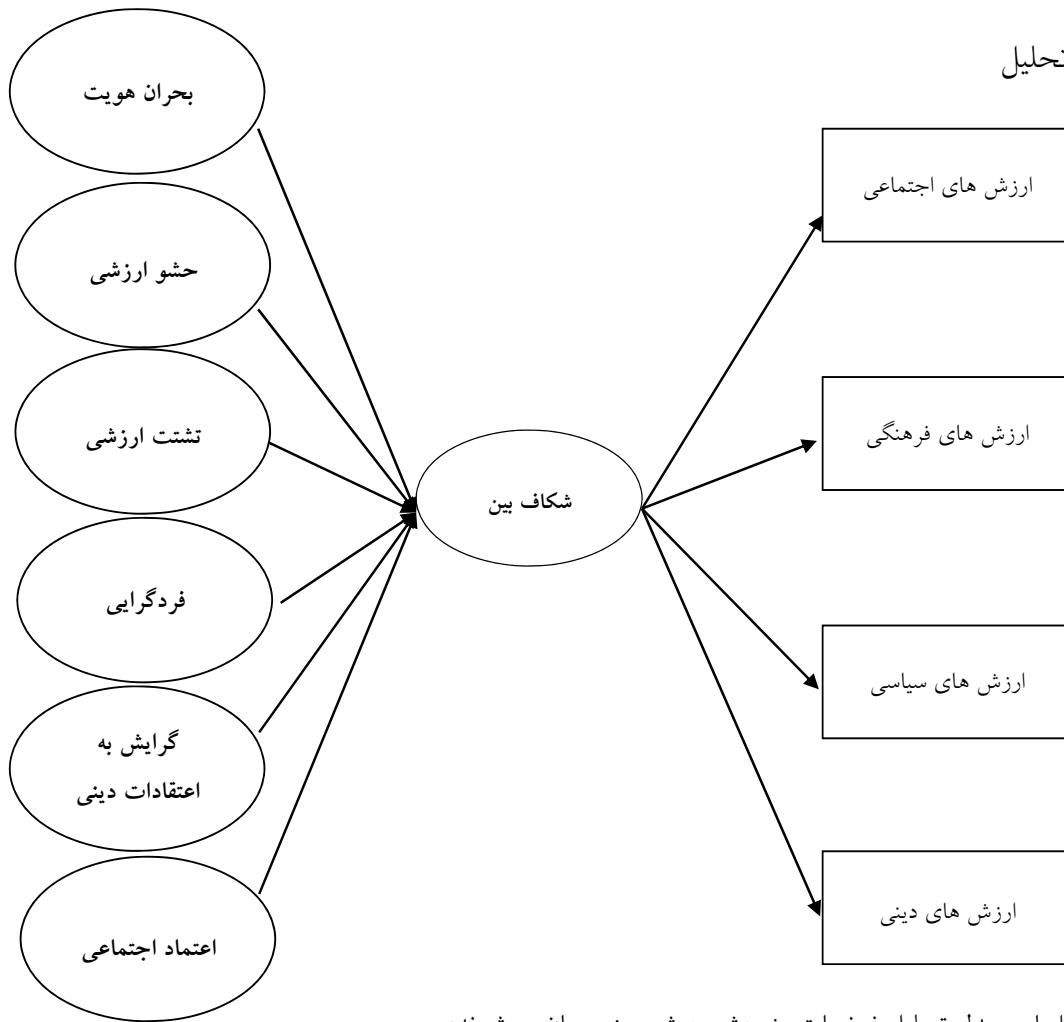
به نظر اریکسون (۱۹۹۴) فرد در خلال شکل‌گیری هویت، احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگری چه در گذشته و چه در حال از نوعی سردرگمی و آشفتگی نقش‌ها یا همان چیزی که خودش «آشفتگی هویت»^{۲۱} می‌نامد، رنج ببرد. این حالت سبب می‌شود وی احساس کند منزوی، تهی، مضطرب و مردود شده است، یا احساس کند باید تصمیم‌های مهمی بگیرد، لیکن قادر به انجام دادن این کار نیست. "احساس می‌کند که جامعه به او فشار وارد می‌کند تا تصمیم‌های مهمی را اتخاذ کند، اما او مقاومت می‌کند" (به نقل از شرفی، ۱۳۸۰: ۱۸). به عقیده اریکسون، "فردی که قادر به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نباشد، ایدئال‌هایش به هم می‌ریزد. چنین فردی که از درهم‌ریختگی هویت رنج می‌برد، نه می‌تواند ارزش‌های گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش‌هایی می‌شود که به کمک آن بتواند آزادانه برای آینده برنامه‌ریزی کند" (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۲).

گودنو (۱۹۹۴) عنوان می‌کند، قبل از اینکه فرزندان عقاید والدینشان را بپذیرند یا طرد نمایند آن‌ها ابتدا ادراکی از ارزش‌ها و عقاید والدینشان کسب می‌کنند. وی حشو پیام^{۲۲} و تازگی پیام را از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ادراک فرزندان از ارزش‌های والدین می‌داند. همچنین وی می‌گوید، "پذیرش یا طرد عقاید والدین به عواملی مانند ادراک فرزندان از مناسب بودن تصویر (ارزش‌ها)، انگیزش فرزندان به پذیرش عقاید والدین و ادراک فرزندان از درجه‌ای که والدین تمایل دارند که فرزندان در عقایدشان مشارکت نمایند بستگی دارد" (همان، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۵).

بنگستون (۱۹۸۶) معتقد است که ارزش‌ها حاصل سه سطح اجتماعی هستند. سطح اول، سطحی است که در آن فرهنگ، مفهوم‌های مطلوب را مشخص می‌کند. در سطح دوم، خانواده و رویکردهای آن ارزش‌ها و اهداف را مشخص می‌کند. و بالاخره اینکه در سطح سوم، جنبه‌های اجتماعی فرعی مانند سطح اقتصادی - اجتماعی، دین، نژاد، شغل، سطح آموزش و غیره نمایانگر است. به عقیده وی والدین در طبقات اجتماعی و اقتصادی خاص به جامعه‌پذیری ارزش‌های خاص به فرزندانشان توجه نشان می‌دهند. "افراد طبقات متوسط در ارزش‌هایشان به

رویکرد درونی توجه دارند و از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می‌کنند. والدین طبقات پایین از روش خشک (تنبیه) استفاده می‌نمایند. وی گرایش به اعتقادات دینی را عاملی مهم در درونی‌کردن ارزش‌های والدین می‌داند" (به نقل از خلیفه، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۹۹).

مدل تحلیل



- بر اساس مدل تحلیل فرضیات پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند:
- ۱- به نظر می‌رسد بحران هویت فرزندان بر شکاف بین‌نسلی تأثیرگذار است.
 - ۲- به نظر می‌رسد حشو ارزشی والدین بر شکاف بین‌نسلی تأثیرگذار است.
 - ۳- به نظر می‌رسد تشتت ارزشی بر شکاف بین‌نسلی تأثیرگذار است.
 - ۴- به نظر می‌رسد فردگرایی فرزندان بر شکاف بین‌نسلی تأثیرگذار است.
 - ۵- به نظر می‌رسد گرایش به اعتقادات دینی بر شکاف بین‌نسلی تأثیرگذار است.
 - ۶- به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی بر شکاف بین‌نسلی تأثیرگذار است.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تبیینی و به روش پیمایشی^{۲۳} انجام شده است. همچنین به منظور تدوین چارچوب نظری پژوهش، از فنون تکمیلی همچون مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی نیز بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه جوانان ۲۰ تا ۲۴ سال شهر خلخال به همراه والدینشان می‌باشند که ۵۷۴۶ نفر گزارش شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، ترکیبی از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^{۲۴} و سهمیه‌ای^{۲۵} است. بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، شهر خلخال به ۵ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز تقسیم و در مرحله بعد محله‌هایی به صورت خوشه مشخص شد و سپس از درون هر محله چندین کوچه انتخاب و سرانجام تعداد فرزندان دختر و پسر بر اساس آمار هر گروه متناسب با حجم هر طبقه محاسبه شد. با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری و زیاد بودن جمعیت آن، برای انجام تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات به طور متوسط ۳۶۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. عدد فوق بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران^{۲۶}، بدست آمد محاسبات انجام شده با شرایط زیر صورت گرفته است:

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot p \cdot q}{N(d)^2 + t^2 \cdot p \cdot q} = \frac{5746(1/96)^2 \cdot (0/5)(0/5)}{5746(5\%)^2 + (1/96)^2 \cdot (0/5)(0/5)} = 360$$

ابزاری که در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات انتخاب شده، پرسشنامه حضوری است. پس از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن، اقدام به تهیه پرسشنامه نهایی و جمع‌آوری داده‌ها، به وسیله آن شد. جهت شناسایی اعتبار^{۲۷} شاخص‌های پرسشنامه از اعتبار صوری^{۲۸} استفاده شد و پرسشنامه تهیه شده به تعدادی از اساتید خبره و برگزیده جامعه‌شناسی داده شد و وفاق آن‌ها در مورد شاخص‌ها، دلیل روشنی بر اعتبار پرسشنامه طراحی شده است. همچنین به دلیل اینکه پرسشنامه این پژوهش از داخل نظریه‌های مطرح، چهارچوب نظری و مدل تحلیلی استخراج شده است دارای اعتبار سازه‌ای^{۲۹} است. برای آزمون پایایی سوالات از آلفای کرونباخ بهره بردیم. سوالات دارای پایایی لازم بودند. آلفای کرونباخ پرسشنامه فرزندان ۸۱ درصد و پرسشنامه والدین ۸۹ درصد بدست آمد بنابراین گویه‌های طراحی شده شکاف بین‌نسلی دارای اعتماد (پایایی) لازم است. جداول زیر مقدار ضرایب آلفای متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهند.

-
1. survey method
 2. multi stage Cluster sampling
 3. quota
 4. cochrans testing
 27. validity
 28. face validity
 29. construct validity

جدول شماره (۱). ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی پژوهش (پرسشنامه فرزندان)

شاخص	آلفا	شاخص	آلفا
بحران هویت	٪۷۶	حشو ارزشی	٪۷۱
تشتت ارزشی	٪۸۸	فردگرایی	٪۷۴
گرایش به اعتقادات دینی	٪۹۲	اعتماد اجتماعی	٪۹۰
شکاف بین نسلی	٪۷۹	آلفای کلی	٪۸۱

جدول شماره (۲). ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی پژوهش (پرسشنامه والدین)

شاخص	آلفا	شاخص	آلفا
بحران هویت	٪۹۱	حشو ارزشی	٪۷۹
فردگرایی	٪۹۴	گرایش به اعتقادات دینی	٪۹۲
اعتماد اجتماعی	٪۹۰	آلفای کلی	٪۸۹

یافته‌ها

۱- بحران هویت

نتایج به دست آمده بحران هویت نشان می‌دهد که بیشترین میزان بحران هویت فرزندان در گویه سوم است که ۷۷/۲۱ درصد از پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند که؛ "برای دفاع از کشورم حاضریم از جان خود بگذرم" و کمترین میزان بحران هویت در گویه اول است که ۲۳/۳۲ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند که؛ "من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم. نتایج این پژوهش با یافته‌های قدیمی (۱۳۸۵) که متغیر بحران هویت را به عنوان متغیر موثر بر شکاف بین نسلی می‌دانست و همچنین موافق با نتایج تحقیق یوسفی (۱۳۸۳) نیز هست. وی در تحقیق خود در شهر تهران به این نتیجه رسید که هر قدر نسل فرزندان بیشتر دچار بحران هویت باشند، احتمال اینکه از ارزش‌های والدینشان فاصله بگیرند، زیاد است.

۲- حشو ارزشی والدین

نتایج به دست آمده حشو ارزشی والدین بیانگر آن است که بیشترین میزان حشو بودن ارزش‌های والدین در گویه چهارم است که ۷۹/۷۲ درصد از پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند که؛ "حاضر نیستم به سبکی که والدینم زندگی می‌کرده‌اند و اکنون از من می‌خواهند زندگی کنم" و کمترین میزان حشو بودن ارزش‌های والدین در گویه اول است که ۴۲/۵ درصد از پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند که؛ "افکار والدینشان قدیمی است". با بررسی این گویه‌ها می‌توان گفت بیشتر جوانان شهر خلخال ارزش‌های والدینشان را زاید و قدیمی می‌دانند. گروسک و گودنو (۱۹۹۴) در تحقیقات خود دریافتند که پذیرش ارزش‌های والدین توسط

نسل فرزندان به طور اساسی تحت شرایطی است که ارزش‌ها را به دست می‌آورند. آن‌ها از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده پذیرش ارزش‌های والدین را وضوح و تازگی پیام (ارزش) می‌دانستند. نتایج این پژوهش همچنین مطابق با یافته‌های یوسفی (۱۳۸۳) نیز هست. وی در تحقیق خود دریافت که حضور بودن ارزش‌های پدران سبب می‌شود تا فرزندان ارزش‌های آن‌ها را نپذیرند، و در مقابل هر چقدر ارزش‌های والدین تازه و به روز باشد، شکاف ارزشی بین نسلی کاهش می‌یابد.

۳- تشتت ارزشی

نتایج به دست آمده از تشتت ارزشی حاکی از آن است که بیشترین میزان تشتت ارزشی در گویه سوم است که ۷۶/۳۹ درصد از پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند که؛ "در این جامعه واقعاً تشخیص درست از غلط مشکل است" و کمترین میزان تشتت ارزشی در گویه چهارم است که ۵۸/۶ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند که؛ "ارزش‌های والدینم با آنچه که در تلویزیون می‌بینم کاملاً متضاد است". با بررسی این گویه‌ها می‌توان گفت که جوانان شهر خلخال تشتت ارزشی بیشتری را در جامعه مشاهده می‌نمایند. این امر علاوه بر این که تأییدی بر نظریه برگر و لاکمن است که بر تناقض در پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه در خصوص ارزش‌ها تأکید دارند، نشان می‌دهد که مطابق با یافته‌های جنینگز و نیمی نیز می‌باشد. آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در جوامع پیچیده با نهادهای چندگانه جامعه‌پذیری، به احتمال زیاد، نسل جدید (فرزندان) از یک الگوی خاص پیروی نمی‌کنند (Hogo et al, 1982).

۴- فردگرایی

نتایج به دست آمده فردگرایی نشان می‌دهد که بیشترین میزان فردگرایی نسل فرزندان در گویه چهارم است که ۸۴/۷۲ درصد از پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند که؛ "کار فردی بهتر از کار شراکتی است" و کمترین میزان فردگرایی در گویه دوم است که ۷۱/۳۹ درصد از پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند که؛ "مالکیت فردی بهتر از مالکیت جمعی است". بررسی این گویه‌ها نشان می‌دهد که نسل‌های جدید در قیاس با نسل‌های قدیم از فردگرایی بیشتری برخوردار هستند. این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات کولند (۱۹۹۴) مطابقت دارد. به گونه‌ای که وی معتقد است یکی از علل تضاد در روابط درون‌نسلی فردگرایی است. به عقیده وی، فردگرایی باعث تضعیف استحکام بین‌نسلی می‌گردد (Kolland, 1994). پژوهش انجام گرفته توسط شونفلونگ (۲۰۰۱) نیز روابط مشاهده‌شده در این پژوهش را تأیید کرده‌اند. وی در پژوهش خود در ترکیه دریافت که فردگرایی جوانان بستری مناسب برای فاصله انداختن بین جوانان و بزرگسالان است (Schonpflung, 2001).

۵- گرایش به اعتقادات دینی

نتایج به دست آمده گرایش به اعتقادات دینی بیانگر آن است که بیشترین میزان اختلاف نظر در اعتقادات دینی والدین و فرزندان در گویه پنجم است که ۱۹/۴۵ درصد از پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد "در عمل به گفته‌های روحانیون با والدینشان اختلاف نظر دارند" و کمترین میزان اختلاف نظر در گویه سوم است که ۶/۳۹ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد "در رفتن به اماکن مذهبی با والدینشان اختلاف نظر دارند". بررسی این

گویه‌ها نشانگر این است که تفاوت چندی در گرایش به اعتقادات دینی در بین دو نسل وجود ندارد. هر چند که این تفاوت در برخی از این گویه‌ها نظیر گویه عمل به گفته‌های روحانیون ۱۹/۴۵ درصد می‌باشد، ولی در کل نسبت به سایر متغیرها اختلاف زیادی بین دو نسل در گرایش به اعتقادات دینی وجود ندارد.

۶- اعتماد اجتماعی

نتایج به دست آمده اعتماد اجتماعی نیز حاکی از آن است که ۹۳/۸۸ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم "به تجار و بازاریان اعتماد دارند". بررسی این سوال نشان می‌دهد که این قشر در پی منافع شخصی خود بوده و وظایف خود را در چارچوب مجموعه‌ای از قوانین و اصول اخلاقی انجام نمی‌دهند. البته این بی‌اعتمادی خاص جوانان نیست بلکه والدین نیز کمترین اعتماد را به این قشر دارند. ۷۵/۲۸ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم "به شهرداری اعتماد دارند". بررسی این سوال نشان‌دهنده این است که جوانان نسبت به عملکرد شهرداری رضایتی ندارند. ۷۵ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم "به ادارات دولتی اعتماد دارند". بررسی این سوال نشان می‌دهد که نهادهای دولتی جامعه نتوانسته‌اند کارکردهای خود را به درستی انجام دهند. ۶۷/۷۸ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم "به رانندگان تاکسی اعتماد دارند". ۶۶/۳۹ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم "به نیروی انتظامی اعتماد دارند". ۳۵ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم "به روحانیون اعتماد دارند". بررسی این سوال نشان می‌دهد که ارتباط جوانان با مذهب روبه کاهش بوده است. ۸۵/۸۳ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد "به مراکز علمی و دانشگاه‌ها اعتماد دارند". بررسی این سوال نشان می‌دهد که مراکز علمی و دانشگاه‌ها مورد اعتمادترین قشر در میان جوانان هستند. ۷۴/۴۴ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد "به آموزش و پرورش اعتماد دارند". بررسی این سوال بیانگر اعتماد بالای جوانان به این نهاد اجتماعی است و نشان می‌دهد که این نهاد توانسته است ارتباط خوبی با جوانان برقرار کند. ۵۸/۶ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد "به دوستان و آشنایان خود اعتماد دارند". بررسی این سوال نشانگر کاهش میزان اعتماد جوانان به دوستان و آشنایان خود است. در مجموع بررسی نتایج این متغیر بیانگر این است که معتمدترین اقشار در نزد جوانان، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و دوستان و آشنایان بوده‌اند، روحانیون از اعتماد متوسط و معمولی و تجار و بازاریان، شهرداری، ادارات دولتی، رانندگان تاکسی و نیروی انتظامی اقشاری بودند که اعتماد جوانان به آن‌ها کم و خیلی کم بوده است.

۷- شکاف بین نسلی

نتایج به دست آمده شکاف بین نسلی حاکی از آن است که بین ارزش‌های والدین و فرزندان شکاف وجود دارد. به طوری که در ارزش‌های چهارگانه برای سنجش شکاف بین نسلی در همه این ارزش‌ها، غیر از ارزش‌های مذهبی بین دو نسل شکاف عمیقی وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشتری میزان شکاف در ارزش‌های فرهنگی با ۷۵/۵۵ درصد و در مراتب بعدی در ارزش‌های اجتماعی با ۷۴/۵۰ درصد، ارزش‌های سیاسی با ۶۲/۴۴ درصد و نهایتاً در ارزش‌های مذهبی با ۱۲/۴۴ درصد بود.

بررسی فرضیه های پژوهش

بررسی فرضیه اول: رابطه بین میزان بحران هویت جوانان و شکاف بین نسلی

جدول شماره (۳). ضرایب رگرسیونی رابطه بین میزان بحران هویت جوانان و شکاف بین نسلی

خطای برآورد S_{ee}	نمو ضریب تعیین R^2_{adj}	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی رگرسیونی R
۳۰۱/۴	۳۰/۰	۳۰/۰	۵۵/۰

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان بحران هویت جوانان و شکاف بین نسلی برابر با ۵۵/۰ بوده که نشان دهنده همبستگی قوی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۳۰/۰ بوده که نشان می دهد ۳۰٪ از تغییرات مربوط به متغیر شکاف بین نسلی توسط متغیر بحران هویت تبیین می شود.

جدول شماره (۴). جدول برآورد ضرایب رگرسیونی

Sig	T	$\beta_{standard}$	SE_{β}	β
۰۰۰/۰	۵۷۳/۱۲	۵۵/۰	۰۴۲/۰	بحران هویت ۵۲/۰

با توجه به جداول فوق میزان ضریب تأثیر (شیب خط) بین دو متغیر در سطح خطاپذیری ($P > 0.05$) بوده و برابر با ۵۲/۰ بوده است. همچنین مقدار آزمون T برآورد پیش بینی تأثیر بحران هویت جوانان بر شکاف بین نسلی را معنی دار نشان می دهد $T = 12.573, sig_T = 0.000$. این نتیجه نشان می دهد که در ازای یک واحد تغییر در میزان بحران هویت جوانان، متغیر شکاف بین نسلی به میزان ۵۲٪ افزایش خواهد یافت. بنابراین H_1 تأیید و H_0 با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می شود. این نتیجه نشان می دهد که متغیر بحران هویت و شکاف بین نسلی از قابلیت پیش بینی مناسبی برخوردار می باشند.

بررسی فرضیه دوم: رابطه بین میزان حشو ارزشی والدین و شکاف بین نسلی

جدول شماره (۵). ضرایب رگرسیونی رابطه بین حشو ارزشی والدین و شکاف بین نسلی

خطای برآورد S_{ee}	نمو ضریب تعیین R^2_{adj}	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی رگرسیونی R
۳/۸۳۶	۴۴/۰	۴۵/۰	۶۱/۰

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان حشو ارزشی والدین و شکاف بین نسلی برابر با ۶۱/۰ بوده که نشان دهنده همبستگی قوی بین دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۴۵/۰ بوده که نشان دهنده این است که ۴۵٪ از واریانس های متغیر شکاف بین نسلی توسط متغیر حشو ارزشی والدین تبیین می شود.

جدول شماره (۶). برآورد ضرایب رگرسیونی

	β	SE_{β}	$\beta_{standard}$	T	Sig
حشو ارزشی	۵۶/۰	۰۳۸/۰	۶۱/۰	۰۹۸/۱۷	۰۰۰/۰

با توجه به جداول فوق میزان ضریب تأثیر (شیب خط) بین دو متغیر در سطح خطاپذیری ($P > 0.05$) بوده و برابر با ۵۶/۰ بوده است. همچنین مقدار آزمون T برآورد پیش‌بینی تأثیر حشو ارزشی والدین بر شکاف بین‌نسلی را معنی‌دار نشان می‌دهد $T = 17.098, sig_T = 0.000$. این نتیجه نشان می‌دهد که در ازای یک واحد تغییر در میزان حشو ارزشی والدین، متغیر شکاف بین‌نسلی به میزان ۵۶٪ افزایش خواهد یافت. بنابراین H_1 تأیید و H_0 با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که متغیر حشو ارزشی والدین و شکاف بین‌نسلی از قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار می‌باشند.

بررسی فرضیه سوم: رابطه بین میزان تشنت ارزشی و شکاف بین‌نسلی

جدول شماره (۷). ضرایب رگرسیونی رابطه بین میزان تشنت ارزشی و شکاف بین‌نسلی

خطای برآورد	نمو ضریب تعیین	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی
S_{ee}	R^2_{adj}		R رگرسیونی
۳/۶۵۵	۴۹/۰	۵۰/۰	۷۱/۰

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان تشنت ارزشی و شکاف بین‌نسلی برابر با ۷۱/۰ بوده که نشان‌دهنده همبستگی قوی بین دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۵۰/۰ بوده که نشان‌دهنده این است که ۵۰٪ از واریانس‌های متغیر شکاف بین‌نسلی توسط متغیر تشنت ارزشی تبیین می‌شود.

جدول شماره (۸). برآورد ضرایب رگرسیونی

	β	SE_{β}	$\beta_{standard}$	T	Sig
میزان تشنت ارزشی	۷۳/۰	۰۳۹/۰	۷۰/۰	۹۳۱/۱۸	۰۰۰/۰

با توجه به جداول فوق میزان ضریب تأثیر (شیب خط) بین دو متغیر در سطح خطاپذیری ($P > 0.05$) بوده و برابر با ۷۳/۰ بوده است. همچنین مقدار آزمون T برآورد پیش‌بینی تأثیر تشنت ارزشی بر شکاف بین‌نسلی را معنی‌دار نشان می‌دهد $T = 18.931, sig_T = 0.000$. این نتیجه نشان می‌دهد که در ازای یک واحد تغییر در میزان تشنت ارزشی، متغیر شکاف بین‌نسلی به میزان ۷۳٪ افزایش خواهد یافت. بنابراین H_1 تأیید و H_0 با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که متغیر تشنت ارزشی و شکاف بین‌نسلی از قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار می‌باشند.

بررسی فرضیه چهارم: رابطه بین میزان فردگرایی فرزندان و شکاف بین نسلی

جدول شماره (۹). ضرایب رگرسیونی رابطه بین میزان فردگرایی فرزندان و شکاف بین نسلی

خطای برآورد	نمو ضریب تعیین	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی
S_{ee}	R^2_{adj}	R^2	رگرسیونی R
۷۲۸/۲	۷۰/۰	۷۰/۰	۸۳/۰

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان فردگرایی فرزندان و شکاف بین نسلی برابر با ۸۳/۰ بوده که نشان‌دهنده همبستگی قوی بین دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۷۰/۰ بوده است که نشان‌دهنده این است که ۷۰٪ از واریانس‌های متغیر شکاف بین نسلی توسط متغیر فردگرایی تبیین می‌شود.

جدول شماره (۱۰). برآورد ضرایب رگرسیونی

Sig	T	$\beta_{standard}$	SE_{β}	β
۰۰۰/۰	۴۷۵/۲۸	۸۳/۰	۰۳۱/۰	۹۰/۰
				فردگرایی

با توجه به جداول فوق میزان ضریب تاثیر (شیب خط) بین دو متغیر در سطح خطاپذیری ($P > 0.05$) بوده و برابر با ۹۰/۰ بوده است. همچنین مقدار آزمون T برآورد پیش‌بینی تاثیر فردگرایی فرزندان بر شکاف بین نسلی را معنی‌دار نشان می‌دهد $T=28.475, sig_T = 0.000$. این نتیجه نشان می‌دهد که در ازای یک واحد تغییر در میزان فردگرایی، متغیر شکاف بین نسلی به میزان ۹۰٪ افزایش خواهد یافت. بنابراین H_1 تایید و H_0 با حداکثر اطمینان ۹۹/۹۹ رد می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که متغیر فردگرایی و شکاف بین نسلی از قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار می‌باشند.

بررسی فرضیه پنجم: رابطه بین میزان گرایش به اعتقادات دینی و شکاف بین نسلی

جدول شماره (۱۱). ضرایب رگرسیونی رابطه بین میزان گرایش به اعتقادات دینی و شکاف بین نسلی

خطای برآورد	نمو ضریب تعیین	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی
S_{ee}	R^2_{adj}	R^2	رگرسیونی R
۱۲۷/۵	۰۱/۰	۰۱/۰	۱۳/۰

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان گرایش به اعتقادات دینی و شکاف بین نسلی برابر با ۱۳/۰ بوده که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف بین دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰۱/۰ بوده که نشان‌دهنده این است که تنها ۱٪ از واریانس‌های متغیر شکاف بین نسلی توسط متغیر گرایش به اعتقادات دینی تبیین می‌شود.

جدول شماره (۱۲). برآورد ضرایب رگرسیونی

	β	SE_{β}	$\beta_{standard}$	T	Sig
گرایش به اعتقادات دینی	۱۱/۰	۰۴۶/۰	۱۳/۰	۴۷۳/۲	۰/۰۱

با توجه به جداول فوق میزان همبستگی بین متغیر میزان گرایش به اعتقادات دینی و شکاف بین نسلی در سطح خطاپذیری ($P > 0.05$) معنی دار بوده و برابر با ۰/۱۰ بوده است. همچنین مقدار آزمون T برای برآورد پیش‌بینی تأثیر گرایش به اعتقادات دینی بر شکاف بین نسلی معنی دار می‌باشد. $T = 2.473$ & $sig = 0.01$. این نتیجه نشان می‌دهد که در ازای یک واحد تغییر در میزان گرایش به اعتقادات دینی متغیر شکاف بین نسلی به میزان ۱۱٪ افزایش خواهد یافت. بنابراین H_1 تأیید و H_0 با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می‌شود.

بررسی فرضیه ششم: رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و شکاف بین نسلی

جدول شماره (۱۳). ضرایب رگرسیونی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و شکاف بین نسلی

خطای برآورد	نمو ضریب تعیین	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی
S_{ee}	R^2_{adj}		رگرسیونی R
۳/۸۸۱	۴۳/۰	۴۳/۰	۶۷/۰

مطابق با جدول فوق ضریب همبستگی رگرسیونی بین میزان اعتماد اجتماعی و شکاف بین نسلی برابر با ۶۷/۰ بوده که نشان‌دهنده همبستگی قوی بین دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۴۳/۰ بوده که نشان‌دهنده این است که ۴۳٪ از واریانس‌های متغیر شکاف بین نسلی توسط متغیر اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود.

جدول شماره (۱۴). برآورد ضرایب رگرسیونی

	β	SE_{β}	$\beta_{standard}$	T	Sig
اعتماد اجتماعی	۸۷/۰	۰۵۲/۰	۶۶/۰	۷۴۴/۱۶	۰۰۰/۰

با توجه به جداول فوق میزان ضریب تأثیر (شیب خط) بین دو متغیر در سطح خطاپذیری ($P > 0.05$) بوده و برابر با ۸۷/۰ بوده است. همچنین مقدار آزمون T برآورد پیش‌بینی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شکاف بین نسلی را معنی دار نشان می‌دهد. $T = 16.744$ & $sig = 0.000$. این نتیجه نشان می‌دهد که در ازای یک واحد تغییر در میزان اعتماد اجتماعی، متغیر شکاف بین نسلی به میزان ۸۷٪ افزایش خواهد یافت. بنابراین H_1 تأیید و H_0 با حداکثر اطمینان ۹۹/۹٪ رد می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی و شکاف بین نسلی از قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار می‌باشند.

بحث

مباحث مطرح شده در صفحات پیشین نتیجه‌گیری را ساده و پیشنهادات را مشخص نموده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان کرد که امروزه با توجه به عوامل بیرونی تأثیرگذار بر خانواده، جامعه ایرانی با شکاف ارزش نسلی روبرو شده است. یافته‌های تحلیلی پژوهش حاضر، با نتایج حاصله از تعدادی تحقیقات مربوط در زمینه شکاف نسلی که به صورت پیمایشی، اسنادی و یا فراتحلیل انجام شده است، نشان می‌دهد، در خصوص ارزش‌های دینی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شناخت والدین و فرزندان با یکدیگر متفاوت است. این عدم توافق می‌تواند نمایانگر تغییر ارزش‌های جامعه و یا ایجاد و تعدیل ارزش‌های فعلی باشد به گونه‌ای که به نقل از دورکیم می‌توان گفت آن‌چه در یک جامعه به صورت امر نابهنجار رواج می‌یابد، می‌تواند نشانگر ارزش‌های اخلاقی آینده همان جامعه باشد.

در این پژوهش تعداد شش فرضیه تحت آزمون قرار گرفت. نتایج به دست آمده از فرضیات حاکی از آن است که هر کدام از این متغیرها با درجات متفاوتی از شدت مفهوم شکاف بین نسلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال نتایج به دست آمده از بحران هویت حاکی از آن بود که جوانان این شهر با هویت ملی خود آشنا نیستند، در مقابل گرایش‌ات میهن‌دوستی در بین نسل والدین بسیار زیاد بود. بحران هویت که مرکزی‌ترین مفهوم در نظریه اریکسون است و در بسیاری از تحقیقات پیرامون آسیب‌شناسی اجتماعی مورد آزمون تجربی قرار گرفته است، بر روی اهمیت بافت اجتماعی متمرکز است. بنابراین بافت یا زمینه اجتماعی که فرد در آن پرورش می‌یابد و رگه‌های اصلی شخصیت وی در آن شکل می‌گیرد مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت می‌باشد. در واقع نسل والدین که مسؤل‌ارایه چارچوب فکری و جهان‌بینی به جوانان هستند، نتوانسته‌اند کارکرد مناسب خود را در جامعه آماری مورد بررسی به درستی انجام دهند، لذا نسل جدید دچار نوعی درهم‌ریختگی هویت شده است. در این راستا والدین می‌توانند با ایجاد محیط‌های سالم‌تر و آرامش‌بخش‌تر در بستر خانواده به تقویت هویت ملی و فرهنگی نسل جوانان بپردازند. حشو ارزشی والدین نیز که بسیاری محققین آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده شکاف بین نسلی می‌دانند در این پژوهش نیز رابطه آن با شکاف بین نسلی معنی‌دار بود. نتایج به دست آمده از این متغیر نشان می‌دهد که جوانان این شهر ارزش‌های والدینشان را زاید و قدیمی دانسته و تمایلی به زندگی به سبک والدینشان ندارند. بررسی این موارد نشان داد که از نظر جوانان این منطقه ارزش‌های نسل والدین در تناقض با ارزش‌های فرزندان می‌باشد، به طوری که این تناقض سبب عدم درک متقابل دو نسل از همدیگر می‌شود. در این راستا با توجه به تئوری گودنو می‌توان گفت چنانچه ارزش‌های نسل والدین مطابق با شرایط جامعه باشد جوانان تمایل بیشتری برای پذیرش این ارزش‌ها خواهند داشت و چنانچه این ارزش‌ها مغایر با شرایط جامعه باشد جوانان به ارزش‌های خود خواسته روی خواهند آورد.

حشو ارزشی، شکل‌گیری پدیده‌ای دیگر به نام تشتت ارزشی را موجب می‌شود که بر تشدید مسأله شکاف نسل‌ها کمک می‌کند. طبق یافته‌های این پژوهش نهادها و گروه‌هایی که وظیفه انتقال فرهنگی را برعهده دارند با اختلال عملکرد مواجه هستند و کارکرد خود را آن‌چنان ایفا نمی‌کنند که انتظار می‌رود. نتایج پژوهش‌های انجام شده در کشور در خصوص نهادها و گروه‌های جامعه‌پذیرکننده نسل نو (خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، گروه‌های

همسالان و نهادهای مدنی و مذهبی) که در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل واقع شده‌اند، مبین ضعف و ناتوانی این نهادها در امر انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جدید است، به طوری که در هر کدام از این نهادها ارزشی خاص به نسل جدید اشاعه می‌شود، مسأله‌ای که به زعم برگر و لاکمن چنانچه تداوم پیدا کند سبب بروز پدیده به نام تشتت ارزشی می‌شود.

متغیر بعدی که از زیمیل گرفته شد و تحت آزمون قرار گرفت فردگرایی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که نسل والدین بیشتر از نسل فرزندان به ارزش‌های جمع‌گرایانه تمایل دارند و در مقابل ارزش‌های فردگرایانه در نسل فرزندان بسیار شدیدتر است. به طوری که اکثر پاسخگویان معتقد هستند که، اغلب کارهایشان را خودشان به تنهایی انجام می‌دهند، مالکیت فردی بهتر از مالکیت جمعی است، منافع فردی را باید بر منافع جمعی مقدم دانست و کار فردی بهتر از کار شراکتی است. بررسی این موارد نشان از کاهش روحیه جمع‌گرایی و کاهش همبستگی اجتماعی در میان جوانان جامعه آماری مورد بررسی است. با توجه به تئوری زیمیل می‌توان گفت که در جوامع دیروز شهر خلخال (جامعه‌ای که نسل والدین در آن زندگی می‌کردند) به دلیل این‌که انسان‌ها در یک رشته محدودی از حلقه‌های اجتماعی زندگی می‌کردند، همبستگی قوی بین فرد و جامعه برقرار بود و احساس تعلق به جمع و گروه در حد بسیار بالایی بود. در جامعه مدرن این شهر (جامعه‌ای که نسل فرزندان در آن زندگی می‌کنند) برعکس هرچقدر زمان به پیش می‌رود شاهد انشعاب حلقه‌های اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی هستیم، مسأله‌ای که به زعم زیمیل موجب بروز پدیده‌ای به نام فردگرایی که یکی از پیش‌شرط‌های شکاف بین نسلی است می‌شود.

یکی از نمودهای کاهش گرایش به ارزش‌های جمع‌گرایانه را می‌توان در کاهش گرایش‌های دینی جوانان ملاحظه نمود. دین سبب همبستگی اجتماعی و در نتیجه کاهش تمایلات فردگرایانه جوانان می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین گرایش به اعتقادات دینی دو نسل والدین و فرزندان تفاوت وجود دارد و میزان این گرایش در نسل والدین بیشتر از نسل فرزندان می‌باشد. بررسی این موارد نشان می‌دهد که نهاد دین در جامعه آماری مورد بررسی دچار اختلال کارکردی شده و نیاز به مطالعاتی گسترده در خصوص رابطه جوانان با مذهب احساس می‌شود.

یافته‌های به دست آمده از اعتماد اجتماعی به عنوان آخرین متغیر تأثیرگذار بر شکاف بین نسلی نشان از کاهش میزان اعتماد اجتماعی نزد نسل فرزندان و افزایش همین میزان در بین نسل والدین است. بررسی گویه‌های شاخص اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که بحران بی‌اعتمادی در بین جوانان تنها دستگاه‌های دولتی را شامل نمی‌شود بلکه صاحبان حرف و مشاغل مختلف نیز در معرض این سوءظن و بی‌اعتمادی قرار دارند. در این میان همانطور که قابل پیش‌بینی است، تجار و بازاریان از کمترین میزان اعتماد جوانان برخوردارند و همان اعتماد مختصر نیز روز به روز رنگ می‌بازد. به زعم اینگلهارت جایگاه دین در جامعه، میزان فساد در دستگاه دولت و ارزیابی مردم از آن، وضعیت رسانه‌ها، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی و قضایی، توسعه اقتصادی و تکرر قومی و فرهنگی در همه کشورهای جهان با افزایش حس اعتماد اجتماعی، رابطه مستقیم دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

نتایج به دست آمده در این پژوهش، مؤید نظریاتی است که در الگوی تحلیل نظری در مورد تاثیر متغیرهای بحران هویت، حسو ارزشی، تشتت ارزشی، فردگرایی، گرایش به اعتقادات دینی و اعتماد اجتماعی بر متغیر شکاف بین‌نسلی والدین و فرزندان شهر خلخال بیان شده است. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های آماری به دست آمده از

مطالعه مناسبات بین نسلی به این نتیجه می‌رسیم که بین دو نسل والدین و فرزندان شکاف نگرشی عمیق نسبت به ارزش‌های اجتماعی وجود دارد. ارتباط زنجیروار میان شکاف نسلی و مسائل اجتماعی صاحب‌نظران، محققان، کارشناسان و علاقه‌مندان را می‌طلبد تا با رویکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... به این مقوله نگرسته و نسبت به کاهش آن چاره‌اندیشی نمایند تا شکاف به وجود آمده دو نسل را به حداقل رسانده و بین این دو وفاق نسبی برقرار نموده و با ارائه راهکارهای عملی هر دو نسل را با آسیب‌های این پدیده اجتماعی آشنا و آن‌ها را به سوی درک متقابل سوق دهند.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به اینکه جوانان شهر خلخال با هویت فرهنگی و ملی خود آشنا نیستند، درک هویت ملی و پیوند ارزش‌های فرهنگی در جوانان، ضرورت خاصی را می‌طلبد. لذا خانواده‌ها و مسئولان فرهنگی جامعه بایستی اهتمام بیشتری در تقویت هویت فرهنگی و ملی در نسل فرزندان نمایند. در کل جهت تحقق این امر، تأکید بر آموزش‌های عمومی و همگانی و تطابق آن با نیازهای نسل جدید جامعه ایرانی که در قالب برنامه‌های آموزشی مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون و شبکه‌های اطلاع‌رسانی قابل اجرا می‌باشد، بسیار ضروری است.

۲- با توجه به اینکه حشو ارزش‌های والدین به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکاف بین‌نسلی است، بنابراین پیشنهاد می‌شود والدین شرایط خاص جامعه ایران که یک جامعه در حال گذار است را دریابند و به ارزش‌ها، علایق و نگرش‌ها و خواسته‌های جوانان احترام گذاشته و به جای برخوردهای تند، سخت‌گیرانه و احساسی با عقلانیت، تساهل‌گرایی و با متد گفتگو به حل مشکل تعارض ارزش‌ها بپردازند.

۳- با توجه به ارتباط معنی‌داری قوی بین تشست ارزشی و شکاف بین‌نسلی پیشنهاد می‌شود متولیان امر جامعه‌پذیری (خانواده‌ها، رسانه‌ها، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و...) در اشاعه ارزش‌ها به نسل جوان دقت نمایند تا بتوانند ارزش‌های واحدی را به نسل جوان انتقال دهند. این امر سبب می‌شود به جای کثرت ارزشی شاهد وحدت ارزشی و انسجام در ارزش‌های اجتماعی باشیم.

۴- با توجه به یافته‌های پژوهش، فردگرایی می‌تواند بر شکاف نسلی تأثیرگذار باشد. یعنی هرچقدر فردگرایی افزایش یابد شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. بنابراین بایسته است با گسترش روحیه جمع‌گرایی و ترویج آن در بین جوانان از طریق سازوکارهای مناسب، در جلوگیری و کاهش شکاف نسلی اقدامات لازم را انجام داد.

۵- با توجه به یافته‌های پژوهش، کاهش گرایش به اعتقادات دینی در جوانان سبب افزایش شکاف بین‌نسلی می‌شود. در راستای نهادینه کردن باورهای دینی در جوانان بایستی عوامل جامعه‌پذیری از شیوه‌هایی استفاده کنند که در آن با بیانی جذاب به ترغیب دین در کودکان کمک کنند. از سوی دیگر برای این که جوانان را به باورهای دینی مقید ساخته و مانع از گسترش رفتارهای سکولار در جامعه شویم نیاز به اسلام و دینی داریم که با شرایط جدید زمانه مطابقت داشته باشد. برای این منظور باید دین به عنوان یک اعتقاد و میراث فرهنگی نوسازی شود تا بتواند قابلیت انتقال به نسل‌های بعدی را پیدا کند. این امر سبب می‌شود افراد برای باورکردن دین تلاش کنند و تصور نکنند که برای پذیرفتن دین اجبار دارند.

۶- با توجه به یافته‌های پژوهش، کاهش میزان اعتماد اجتماعی سبب افزایش شکاف بین‌نسلی می‌شود و بالعکس.

به زعم اینگلهارت یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی است. به عقیده وی در بین کسانی که از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کنند، بی‌اعتمادی رایج‌تر است. برای همین مسئولان باید به فکر مهمترین مشکلات جوانان از جمله بیکاری، مسکن، شغل، محرومیت‌های اجتماعی، امکان تحرک اجتماعی و... باشند. از سوی دیگر برای این‌که جامعه‌ای با اعتماد داشته باشیم، باید به محیط خانواده توجه بیشتری داشته باشیم و شرایط لازم برای کاهش اضطراب و دل‌نگرانی‌ها و افزایش حس اطمینان و آرامش را در میان اعضاء آن ایجاد نماییم.

منابع

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. (مریم وتر، مترجم). تهران: نشر کویر.
- برگر، پیتر و لاکمن، تامس. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت. (فریبرز مجیدی، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- توکلی، مهناز. (۱۳۷۸). بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- خالقی فر، مجید. (۱۳۸۱). بررسی ارزش‌های مادی/ فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، عوامل موثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- خلیفه، عبدالطیف محمد. (۱۳۷۸). بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها. (سیدحسین سیدی، مترجم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- دارپور، زهرا. (۱۳۸۶). ساختار ارزشی و مناسبات نسلی. فصلنامه تخصصی جوانان و مناسبات نسلی، شماره اول. زمانیان، علی. (۱۳۸۷). تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰). مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسل‌ها؛ نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی چلک، سید حسن. (۱۳۸۸). آسیب‌های اجتماعی، نظم و امنیت عمومی؛ کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی. به اهتمام گروه پژوهشی مطالعات جوانان و مناسبات نسلی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یعقوبی، اسفندیار. (۱۳۸۵). مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر نگرش دو نسل (مادران - دختران) نسبت به ارزش‌های اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر میاندوآب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- یوسفی نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها، بررسی نظری و تجربی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Grusec, Joan E and Goodnow Jacqueline J., et al. (2002).** New directions in analyses of parenting contributions to childrens acquisition of values. *child Development*, vol. 71, N1.
- Hogo, Dear and Petrillo, Gregory H et al. (1982).** transmission of religious and social values from parental to teenage children. *journal of Marriage and the family*, vol 44.
- Kolland, Franz. (1994).** contrasting cultural profiles between Generations, interests and common activities in three interfamilial Generations. *Aging and society*.
- Putnam, R. (2000).** *Bowling Alone, the collapse and Revival of American community.* New York: simon and schuster.
- schonpflug, ute. (2000).** intergenerational transmission of values. *journal of cross-cultural psycholog*, vol. 32, N 2.